

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقات منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

مداخله اطلاعات خارجی ایران در جریان عملیات شمشیرهای آهنین



محتوای آزار دهنده، تحریک به خشونت و ادعاهای نادرست سوء استفاده می‌کند.

این مقاله به بررسی عملیات نفوذ ایران در اسرائیل در طول جنگ شمشیرهای آهنین از ماه اکتبر سال ۲۰۲۳ تا می ۲۰۲۴ می‌پردازد. این مقاله مبتنی بر تجزیه و تحلیل گسترده حساب‌های رسانه‌های اجتماعی است که بخشی از عملیات نفوذ فعال در گفتمان اسرائیل از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ بوده است که در رسانه‌های اسرائیلی و بین‌المللی منتشر شده و به طور عمیق در مقاله «مداخله خارجی» و نفوذ ایران در شبکه‌های اجتماعی در اسرائیل توضیح داده شده است.

ادامه در صفحه ۱۳

این پدیده نشان دهنده افزایش محوشدن مرزهای حاکمیتی کشور، مرزهای بین دنیای فیزیکی و قلمرو دیجیتال و همچنین مرزهای بین عملیات نفوذ، جمع‌آوری اطلاعات و استخدام است.

پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به نوعی به «واسطه‌گری» در جنگ اطلاعاتی تبدیل شده‌اند و عوامل متخاصم را قادر می‌سازند تا به طور گسترده محتوای مضر و اطلاعات نادرست را در پلتفرم‌های خود منتشر کنند. این پلتفرم‌ها که زمانی به عنوان ترویج «ارتباطات آزاد» تلقی می‌شدند، اکنون به عرصه اصلی تبدیل شده‌اند که بعد دیجیتالی جنگ در آن رخ می‌دهد و دشمن از آن‌ها برای انتشار

مطالعات امنیت ملی (INSS)

یاسور / سیتربنوویچ |

هدف استفاده از اهمیت دیجیتال در جنگ، تضعیف توانایی شهروندان برای روشن کردن واقعیت و محو کردن مرزهای بین حقیقت و دروغ، قربانیان و مجرمان و برندگان و بازندگان است. دشمن نه تنها از حساب‌های جعلی استفاده می‌کند و اینترنت را پر از محتوا و روایت‌های دست‌کاری می‌کند، بلکه از نیروهای محلی در داخل اسرائیل نیز کمک می‌گیرد. دشمن از محتوای محلی حمایت می‌کند و در عین حال از مردم محلی که محتوا و روایت‌های آن را بازتاب می‌دهند و منتشر می‌کنند، سوء استفاده می‌کند.

۱۲

پیامدهای خروج
آمریکای ترامپ از ناتو

۱۰

چین در آسیای میانه
و قفقاز جنوبی

۳

بررسی سیاست بایدن در
خصوص غرب آسیا

زمان اجرای قانون دشمنان بیگانه علیه ایرانیان در آمریکا فرا رسیده است؟

ایران بسیار ضعیف تر از دور پیشین تراپ است

امریکن انترپرایز هال برنرز

وضعیت منطقه‌ای نسبت به یک سال پیش، به طرز چشمگیری بهبود یافته است. امروز اسرائیل حماس را در غزه از بین نبرده، اما بیشتر توان نظامی آن را نابود کرده است. در لبنان، حزب الله هنوز می‌تواند موشک شلیک نموده و کمین کند، اما رهبری و توانایی‌های دوربرد آن توسط حملات اسرائیل ویران شده است.

با کمک آمریکا، اسرائیل حملات موشکی و پهپادی ایران را در آوریل و اکتبر کاهش و پس از حمله دوم، انتقام جویی هدفمند و مخربی را انجام داد. ایران با نابودی نیروهای نیابتی، تکه تکه شدن پدافند هوایی و کاهش ارزش زرادخانه موشکی‌اش، از نظر استراتژیک تر ضعیف تر از هر زمان دیگری در دهه‌های گذشته است.

تراپ احتمالاً کارزار «فشار حداکثری» خود را برای گرسنگی دادن به ایران تجدید خواهد کرد. آمریکا ممکن است هم‌زمان اقدام نظامی شدیدتری علیه حوثی‌های یمن انجام دهد و کشتی‌های دریایی دریای سرخ را ویران کند. به علاوه، می‌تواند همراه با اسرائیل، ایران را مستقیماً مسئول حملات نیابتی می‌داند.

در نهایت، احتمالاً تراپ به تلاش بایند برای یک معامله بزرگ منطقه‌ای، عادی سازی روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و عربستان، همراه با تقویت روابط دفاعی و فناوری آمریکا با سعودی‌ها که ائتلاف ضد ایرانی را تحکیم می‌کند، ادامه می‌دهد.

با توجه به اینکه ایران، چین، روسیه و کره شمالی بیشتر با یکدیگر همکاری می‌کنند، تضعیف تهران این ائتلاف خودکامه بزرگ ترانزیت ضعیف می‌کند.

تراپ باید کشورهای دوگانه خلیج فارس را وارد میدان کند. عربستان و امارات از ایران متنفرند، اما از درگیری در حیط خلوت خود بیم دارند. تراپ باید ثابت کند که آن‌ها را هنگامی که تنش‌ها بالا می‌گیرد، رها نمی‌کند.

واشنگتن باید به بازارهای نفت توجه کند. تراپ نمی‌تواند از دست و پنجه نرم کردن با غزه اجتناب کند. عربستان تا زمانی که جنگ در آنجا به پایان نرسد، روابط خود را با اسرائیل عادی نخواهد کرد.

در نهایت، خطر تشدید واقعی است. ایران ضعیف است، اما ناتوان نیست.

t.ly/gFf_



مركز مطالعات مهاجرت جورج فیشمن

وزارت امور خارجه به این نتیجه رسیده است که «در سال ۲۰۲۲، ایران به طور فزاینده‌ای حملاتی را علیه [آمریکا]، از جمله علیه مقامات سابق آمریکا، با اشاره به اینکه وزارت دادگستری «توطئه [نیروی قدس سپاه پاسداران ایران] برای ترور جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا را مختل کرده و یک عامل ایرانی مظنون به طراحی ترور را دستگیر کرده است.»

در ماه می من پرسیدم که آیا ترور تحت رهبری ایران، یا تلاش برای ترور، در خاک آمریکا، مفاد قانون دشمنان بیگانه [AEA] را ایجاد می‌کند که به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا به طور خلاصه اتباع کشورهای دشمن را بازداشت و حذف کند. من به این نتیجه رسیدم که «یک استدلال قوی می‌توان ارائه داد که چنین اقداماتی واقعاً باعث تحریک قانون دشمنان بیگانه می‌شود.»

همین ماه گذشته، استیو هالند برای رویترز گزارش داد که به دستور بایدن، مقامات ارشد آمریکا پیام‌هایی را به بالاترین سطوح دولت ایران ارسال

کرده و به تهران هشدار داده‌اند که تمام توطئه‌ها علیه تراپ و مقامات سابق آمریکا را متوقف کند. به ایرانی‌ها گفته شده است که اگر تلاشی علیه جان تراپ انجام شود، واشنگتن آن را یک اقدام جنگی می‌داند.

سپس، روز جمعه، مریک گارلند، دادستان کل آمریکا اعلام کرد که وزارت دادگستری «یک عامل از ایران را متهم کرده است که از طرف دولت موظف شده بود تا شبکه‌ای از شرکای جنایتکار را برای پیشبرد توطئه‌های ترور ایران علیه اهدافش، از جمله دونالد تراپ، هدایت کند.»

به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده باشد که بایدن یا تراپ، آژانس انرژی اتمی را علیه اتباع ایرانی مقیم آمریکا وارد میدان کنند.

درواکنش به گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در ایران پس از انقلاب اسلامی، جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت در ماه نوامبر سال ۱۹۷۹ به اداره مهاجرت و تابعیت [INS] دستور داد تا آن دانشجویان ایرانی را به طور غیرقانونی در آمریکا هستند را اخراج کند. به گفته جان گاشکودر واشنگتن پست، به بنجامین سیویلتی، دادستان کل گفته شد که

فوراً «حدود ۵۰ هزار دانشجوی ایرانی را بررسی کند تا افرادی را که با روایت آن‌ها مطابقت ندارند شناسایی و روند اخراج را آغاز کند». سپتامبر سال بعد، نیویورک تایمز گزارش داد که طبق گزارش اداره مهاجرت و تابعیت، «۵۹ تا ۶۰ هزار دانش آموز همان طور که قرار بود ثبت نام کنند» در حالی که «۸ تا ۱۰ هزار دانش آموز وجود داشت که محل نگهداری آن‌ها نامشخص بود.»

همچنین، قضات مهاجرت در مورد حدود ۲ هزار دانشجوی ایرانی که به صورت غیرقانونی حضور داشتند، احکام اخراج صادر کرده بودند که ۱۰ هزار نفر دیگر نیز در حال رسیدگی به اخراج هستند.

این نتایج به ظاهر ضعیف به خوبی بیهودگی اتکا بر رویه‌های حذف اداره مهاجرت و تابعیت در زمان درگیری را نشان می‌دهد. گاشکو، نقش دوریس مایسنر، معاون دادستان کل آن زمان را به عنوان «پافشاری» تعبیر کرد که دانشجویانی که وضعیت آن‌ها غیرقانونی تلقی می‌شود، نمی‌توانند اخراج شوند و باید این موضوع مورد پیگیری قرار گیرد.

is.gd/PYc4KZ

بررسی سیاست بایدن در خصوص غرب آسیا

آسیا برای ریاست جمهوری جدید ترامپ آماده است؟

تایم چاد گوزمان

کارشناسان می‌گویند که اولین دوره ریاست جمهوری ترامپ و همچنین وعده‌های او در مبارزات انتخاباتی، می‌تواند سرخ‌هایی در باره رویکرد بالقوه وی در قبال آسیا ارائه دهد. ترامپ مدت کوتاهی پس از تحلیف خود در سال ۲۰۱۷، آمریکا را از شراکت ترانس پاسیفیک، یک توافق تجاری که بسیاری از کشورهای آسیایی را در بر می‌گرفت، خارج کرد و نشان دهنده بی‌بازی او از چندجانبه‌گرایی بود. ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور به‌طور منظم در نشست‌های منطقه‌ای حاضر نمی‌شد.

در سال ۲۰۱۸، ترامپ جنگ تجاری را علیه چین به راه انداخت و بر صدها میلیارد دلار کالاهای چینی تعرفه وضع کرد و متعهد شده که تعرفه‌ها را در دوره بعدی خود دوبرابر کند. ترامپ خود را «مرد تعرفه‌ها» نامیده، زیرا مالیات‌های تجاری در مرکز پلتفرم اقتصادی او قرار دارد.

سیاست خارجی با تعرفه سنگین می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر اقتصادهای وابسته به تجارت آسیا تأثیر بگذارد.

مشارکت‌های تجاری چندجانبه در منطقه نیز با خطرانی مواجه است. سال گذشته، ترامپ گفت که در صورت پیروزی در انتخابات، چارچوب اقتصادی هند و اقیانوسیه بین آمریکا و ۱۳ کشور دیگر که بسیاری از آن‌ها در آسیا هستند را به بادمی دهد.

ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود با رهبران مستبد کره شمالی و روسیه تعامل داشت.

ترامپ مایل است دوباره با کیم تعامل کند. پوتین نیز برای احیای روابط مسکو با واشنگتن ابراز علاقه کرده است.

از زمان انتخابات، رهبران ژاپن و کره جنوبی تمایل خود را برای همکاری نزدیک‌تر با ترامپ ابراز کرده‌اند، اما نشان داده‌اند که مایلند وزن خود را کاهش دهند. ژاپن متعهد شده که هزینه‌های دفاعی خود را افزایش دهد و در سال ۲۰۲۲، ۸٫۶ میلیارد دلار را برای پوشش هزینه میزبانی از بیش از ۵۴ هزار سرباز آمریکایی، تصویب کرد.

کارشناسان می‌گویند انتظار می‌رود ترامپ از ائتلاف‌های «ارزش محور» دور شود.

در تایوان، ترامپ ممکن است تصمیم بگیرد از دخالت آمریکا در گیری احتمالی با انعقاد یک توافق با پکن اجتناب کند.

t.ly/VgppqI



نهایت سرنگونی دولت ایران وجود داشت. امضاکنندگان عرب همگی به دنبال منافع اقتصادی تجارت و سرمایه‌گذاری با اسرائیل و همچنین وعده‌های امنیتی آمریکا بودند که با سفارشات خود به نفع سازندگان اسلحه آمریکایی بود.

ضمانت‌های امنیتی که آمریکا به امارات تحت پیمان آبراهام داد و محمد بن زاید آل نهيان، رهبر آن را در تلاش برای ایجاد یک امپراتوری غیررسمی از یمن تا سودان و حتی تایلندی جسور کرد. با این حال، در ماه آوریل سال ۲۰۲۳، نیروهای مسلح سودان و نیروهای پشتیبانی سریع این کشور با یکدیگر درگیر شدند، زیرا ژنرال‌هایی که آن‌ها را رهبری می‌کردند برای کسب قدرت رقابت می‌کردند. این کشور سپس به یک نمایش ترسناک از یک جنگ داخلی تبدیل شد، به طوری که نیمی از ۵۰ میلیون نفر آن در حال حاضر با گرسنگی روبرو هستند و حداقل ۶۲ هزار نفر سلاخی شده‌اند. با این وجود، جنگنده‌های وحشی نیروهای پشتیبانی سریع مورد حمایت امارات قرار دارند (پنتاگون با محبت آن‌ها را اسپارتای کوچک نامیده است) و در این سال‌ها، بایدن در مورد مهار «توافق آبراهام» آمریکا ناتوانی خود را نشان داده است.

is.gd/suGamS

آمریکا و جهان را آشکارا در خطر رها کرده است.

با این وجود، سیگنال‌های خطر به زودی در بین دوست و دشمن در منطقه به رنگ قرمز روشن درآمد، زیرا تیم بایدن به سرعت فرصت را برای بازگرداندن «برنامه جامع اقدام مشترک» یا برجام بین شورای امنیت سازمان ملل و حکومت ایران در تهران در سال ۲۰۱۵ از دست داد که ترامپ به راحتی آن را پاره کرد. بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹، این توافق با موفقیت برنامه غنی‌سازی هسته‌ای غیرنظامی ایران را کاملاً غیرنظامی نگه داشت و راه‌های محتمل‌تر برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را بسته بود.

تیم بایدن همچنین راهبردی را که توسط دونالد ترامپ و جرد کوشنر، دامادش طراحی شده بود، دنبال کرد که در آن تلاش می‌کردند کشورهای عربی را برای ایجاد صلح جداگانه با اسرائیل سوق دهند یا آن‌ها را مسلح کنند. آن‌ها موفق شدند با نام‌گذاری قراردادهای خود (ابتدا در میان بحرین، امارات، مراکش و اسرائیل) به «پیمان آبراهام» کتاب مقدس را بدنام کنند، اگرچه آن‌ها در واقع معاملات تسلیحاتی پنهانی بودند. در زیربنای چنین استراتژی، امکان ایجاد یک بلوک نظامی، شامل اسرائیل و بخش‌های قابل توجهی از جهان عرب، برای منزوی کردن و در

کانتر بانج نوان کول

جو بایدن اکنون به صفوف جیمی کارتر و جورج دبلیو بوش به‌عنوان رئیس‌جمهوری که سیاست غرب آسیایی‌اش شکست خورده، پیوسته است. برخلاف کارتر که با بحران گروگان‌گیری در ایران متوقف شد، یا بوش که با جنبش مقاومت مردمی عراق مواجه شد، در دسرهای بایدن توسط دشمن ایجاد نشد. کاملاً برعکس، این مشکلات شریک احتمالی این کشور، دولت اسرائیل بود که رئیس‌جمهور را در نسل کشی همچنان ادامه‌دار خود در غزه و همچنین حملات نامتناسب آن به لبنان و ایران که بایدن قاطعانه از اعمال کوچک‌ترین مجازات خودداری کرد، دخیل کرد. در عوض، او به مسلح کردن اسرائیلی‌ها تا دندان ادامه داد.

جنگ تمام‌عیار اسرائیل علیه غیرنظامیان فلسطینی، به نوبه خود، شور و شوق بایدن را در میان جوانان و اقلیت‌های داخل کشور به میزان قابل توجهی کاهش داد و به کناره‌گیری او از سمت خود کمک کرد. همچنین موانعی برای انتخابات ریاست جمهوری کاملاً هریس ایجاد کرد. بایدن با اصرار خود بر مصونیت از مجازات دولت بنیامین نتانیاهو، غرب آسیا را در شعله‌های آتش و

اخراج گالانت و آماده شدن اسرائیل برای ترامپ



کریدل

نبیه عوادا

برکناری یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل توسط بنیامین نتانیاہو، این کشور اشغالگر را وارد یک بحران سیاسی دیگر در میان آشفتگی‌های مداوم از عملیات سیل الاقصی در سال گذشته و جنگ متعاقب آن باغزه و اکنون لبنان کرده است. این درگیری‌ها منجر به تلفات سرسام‌آور نزدیک به ۲۰۰ هزار شهید و مفقود و مجروحان و زندانیان بی‌شماری شده است.

زمان اخراج گالانت، وحشتناک بود. نتانیاہو درست زمانی که رای گیری در آمریکا در حال برگزاری بود، وزیر دفاع خود را برکنار کرد و این نشان دهنده بازگشت چشمگیر و قاطع دونالد ترامپ به کاخ سفید در یک مقطع سیاسی حساس بود. به نظر می‌رسد که این اقدامی حساب شده از سوی نتانیاہو است، احتمالاً برای جلوگیری از تکرار فاجعه مارس گذشته، زمانی که او باواکنش ملی به دلیل برکناری

و واشنگتن را دوباره تعریف کند. سوالی که در ذهن همه وجود دارد: آیا نتانیاہو کلید مقرر دفاع رژیم صهیونیستی در تل‌آویو را به ترامپ خواهد داد، همانطور که در آخرین دوره ریاست جمهوری، اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت؟

t.ly/pfXxO

متنوع بود. حذف گالانت پیامدهای محلی و بین‌المللی داشته است. نتانیاہو مخالفان خود را در یک فرصت حساب شده گردهم آورده است. در جبهه بین‌المللی، همه نگاه‌ها به روز ۲۰ ژانویه، تاریخ تحلیف رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ است. آنچه بعداً اتفاق می‌افتد، می‌تواند روابط بین تل‌آویو

گالانت پس از مخالفت وی با اصلاحات قضایی مواجه شد. در آن زمان، گالانت علناً در مورد تأثیر اصلاحات بر نیروهای ذخیره هشدار داده بود که باعث اعتراضات گسترده در سراسر اسرائیل شد. تنها سه دقیقه پس از تصمیم گیری، نتانیاہو نامه اخراج گالانت را فرستاد. دلایل اخراج جنجالی گالانت بسیار

سیاست گذاری نتانیاہو بر اساس برنامه‌های ترامپ

یکی از مقامات آشنا با تفکرات رهبر اسرائیل، او نیز که نامش فاش نشد و صادقانه صحبت کرد: هیچ توهمی وجود ندارد که ترامپ اجازه خواهد داد اسرائیل در همه‌جا آزاد باشد. بی‌بی و مشاورانش می‌دانند که فشار برای آتش‌بس به زودی وارد خواهد شد.

آن‌ها گفتند: ترامپ انتظار دارد به زودی آتش‌بسی در لبنان برقرار شود، حتی قبل از تحلیف او و اسرائیل به این موضوع ادامه خواهد داد. این هفته، ران درمر، وزیر امور استراتژیک اسرائیل و یکی از دستیاران مورد اعتماد نتانیاہو، با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا برای بحث در مورد گزینه‌های آتش‌بس در لبنان دیدار کرد.

نتانیاہو همچنین می‌داند که ترامپ همچنان نسبت به او بی‌اعتمادی باقی مانده است. همان‌طور او و مشاورانش به خوبی از تردیدهایی در اردوگاه «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» [MAGA] در مورد هرگونه ماجراجویی بی‌پایانی که ممکن است واشنگتن را درگیر کند، آگاه هستند.

is.gd/ljF3Wh



بی‌بی (نتانیاہو) هنوز دقیقاً به جایی نرسیده است که به هر چیزی که می‌خواهد برسد. ترامپ به او چک سفید نمی‌دهد. اگر این همان چیزی است که بی‌بی انتظار دارد، من فکر می‌کنم که او ناامید خواهد شد و باید رویکرد خود را مجدداً تغییر کند زیرا ترامپ می‌خواهد تقریباً به همان اندازه که در اوکراین کار انجام می‌دهد، به جنگ در غرب آسیا پایان دهد. با این وجود، نتانیاہو باید مراقب رفتار با ترامپ باشد و او این را می‌داند. به گفته

را با تمام ارزششان برجسته خواهد کرد، به این امید که ترامپ را وسوسه کند تا از جاه‌طلبی او برای تحقیر رهبران روحانی تهران حمایت کند. نتانیاہو یکی از اولین رهبران خارجی بود که به ترامپ به خاطر آنچه او «بزرگ‌ترین بازگشت تاریخ» نامید تبریک گفت. او در پستی در ایکس نوشت: «بازگشت تاریخی شما به کاخ سفید شروعی جدید برای آمریکا و تعهد مجدد قدرتمندی به اتحاد بزرگ بین اسرائیل و آمریکا است.» این یک پیروزی بزرگ است!

پولیتیکو

جیمی دتمرا

بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل امیدوار است روحانیون ایران از توطئه‌های قتل توسط اجیرشدگان خود علیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا پشیمان شوند.

افبی‌آی دو طرح از این قبیل را که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حمایت می‌شد، در هفته‌های قبل از روز انتخابات آمریکا کشف کرد و اگر چه آن‌ها ماهیت آماتوری داشتند، نتانیاہو این توطئه‌ها

اوکراین تحت اشغال کرملین چگونه است

سورینس

اروپا

کرده است و بخش‌هایی از دونتسک و لوهانسک در سپتامبر ۲۰۲۲ به روسیه پیوستند. مهاجرت طرفداران اوکراین و تصرف مشاغل و اموال منجر به کمبود نیروی کار در سرزمین‌های اشغالی شده است. تا ماه ژانویه ۲۰۲۲، ۶٫۴ میلیون نفر در مناطق اشغالی بدون احتساب خود کریمه زندگی می‌کردند. روسیه ساکنان باقی‌مانده را مجبور به اخذ تابعیت روسیه کرده است و زندگی عادی را بدون این اقدام غیرممکن می‌کند. مقامات روسیه اموال و مشاغل را مجدداً ثبت کرده است. هویت سرزمین‌های اشغالی به سرعت در حال تغییر است. برخی از ساکنان همیشه طرفدار روسیه بوده‌اند. اکنون ظلم، شستشوی مغزی و مهاجرت یک موضوع طبیعی شده است. بر اساس این گزارش، حدود ۵ تا ۳۰ درصد از ساکنان مناطق اشغالی طرفدار روسیه هستند و ۲۰ تا ۳۵ درصد طرفدار اوکراین هستند و بقیه نیز حزب باد هستند.

<https://tinyurl.com/25bnh7a3>



فرستاده شدن «به زیرزمین» می‌ترسد. تمام آثار اصلی اوکراین در حال محوشدن است. مدارس به برنامه درسی روسی تغییر کرده‌اند و جوانان و سازمان‌های شبهه‌نظامی روسیه در این مناطق کار می‌کنند. نیکولای پتروف، نویسنده

اکنون میست

دولت آینده دونالد ترامپ ممکن است برای یک آتش‌بس یا توافق صلح بین روسیه و اوکراین تلاش کند. این ممکن است یک پنجم اوکراین را تحت اشغال روسیه بگذارد و وسعت این منطقه تحت اشغال به راحتی در ماه‌های آینده افزایش می‌یابد، اگر کرملین حملات خود را تشدید کند که در حال افزایش نیز است؛ برای درک چشم‌انداز تاریک ولادمیر پوتین برای هر سرزمینی که برای همیشه به دست می‌آورد، ارزش دارد که شرایط اوکراین اشغالی را بررسی کنیم. کریمه، یک مأمور اوکراینی در سرزمین‌های اشغالی است که می‌گوید «این جامعه یک زندان است» زیرا ترس از محکوم شدن همه را مجبور می‌کند نظرات خود را برای خود نگه دارند. بدون پاسپورت روسی این روزها «مثل پناهندگی در سرزمین خود» است. مشاغل مهم تقریباً همگی در اختیار روس‌ها هستند. هر کسی که دیدگاه‌های طرفدار اوکراین دارد، از

ترامپ چگونه می‌تواند به اقتصاد اتحادیه اروپا کمک کند



یورپین کانزرتیو

سون لارسون

پس از بازگشت سیاسی قابل توجه خود، ترامپ هنوز بیش از دو ماه تا بازگشت به دفتر ریاست جمهوری فاصله دارد، اما سؤالاتی در مورد تأثیر دوره دوم او بر اروپا مطرح شده است.

پولیتیکو در مقاله‌ای تندرو و قابل پیش‌بینی برای نماینده مطبوعات اروپا مدعی است که «پیروزی ترامپ فاجعه زیست‌محیطی را به همراه دارد». آن‌ها می‌افزایند که او اروپا را با سوخت‌های فسیلی پر خواهد کرد و از برنامه‌هایی برای دریافت عوارض واردات از اروپا و چین ابراز تأسف می‌کنند. علاوه بر این، علاقه ترامپ به «مداخله بیشتر کاخ سفید» با فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) می‌تواند پیامدهای بزرگی برای ثبات سیستم مالی جهانی و همچنین تداوم تسلط دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی داشته باشد. به جای نرخ‌های بهره بالاتر، باید انتظار نرخ‌های پایین‌تری را در دوران ترامپ داشته باشیم. او به این دلیل مشهور است که می‌خواهد در سیاست پولی

ریاست جمهوری خود مورد انتقاد قرار گرفته است. اگر ترامپ سعی می‌کند کنترل بیشتری بر فدرال رزرو داشته باشد، از جروم پاول، رئیس فعلی آن و احتمالاً سایر اعضای کمیته بازار باز سیاست‌گذاری فدرال رزرو، با فشار مواجه می‌شود. ترامپ می‌تواند جانشین پاول شود، اگرچه این امر عموماً به‌عنوان تلاشی ناشیانه برای اعمال کنترل به خاطر کنترل تلقی می‌شود. ترامپ باهوش‌تر از این حرف‌هاست.

is.gd/YZXRnJ

فدرال رزرو بیشتر از روسای جمهور عادی حرف بزند. در این مورد، مقاله پولیتیکو در واقع درست است؛ اما دلایل اینکه ترامپ می‌خواهد فعال‌تر باشد این است که فکر می‌کند فدرال رزرو باید نرخ‌های بهره را پایین بیاورد نه بالاتر. ترامپ دو دلیل برای این دارد: او می‌خواهد هزینه بدهی دولت فدرال را کاهش دهد و می‌خواهد خانوارها و مشاغل به‌طور کلی دسترسی بهتری به اعتبار ارزان داشته باشند. اگر او در متقاعد کردن فدرال رزرو برای اتخاذ

فدرال رزرو بیشتر از روسای جمهور عادی حرف بزند. در این مورد، مقاله پولیتیکو در واقع درست است؛ اما دلایل اینکه ترامپ می‌خواهد فعال‌تر باشد این است که فکر می‌کند فدرال رزرو باید نرخ‌های بهره را پایین بیاورد نه بالاتر. ترامپ دو دلیل برای این دارد: او می‌خواهد هزینه بدهی دولت فدرال را کاهش دهد و می‌خواهد خانوارها و مشاغل به‌طور کلی دسترسی بهتری به اعتبار ارزان داشته باشند. اگر او در متقاعد کردن فدرال رزرو برای اتخاذ

انتخابات، آمریکا را یکپارچه می‌کند؟



اسپکتیتور آمبر دوک

در لنسینگ، میشیگان، یک متصدی بار سیاه‌پوست که توسط مادر بزرگ و مادرش به‌عنوان یک دموکرات بزرگ شده بود، از دولت اوباما و کمک‌های مالی وال استریت و صنعت خودرو ابراز ناامیدی کرد. او احساس می‌کرد که دموکرات‌ها وقتی به جمهوری خواهان رای می‌دادند، حمایتشان را بدیهی می‌دانستند یا آن‌ها را «اشغال» می‌نامیدند و اتحادیه‌هایشان برای آن‌ها تصمیم‌های سیاسی می‌گرفتند. امسال، ترامپ صدایی برای مردم میشیگان بود که به‌طور مداوم توسط رهبران سیاسی و نهادهایی که واقعاً منافع آن‌ها را نمایندگی نمی‌کنند، ناامید شده‌اند. دموکرات‌ها هنگام رای دادن به جمهوری خواهان، حمایت خود را بدیهی می‌دانستند. اتحادیه‌های آن‌ها برای آن‌ها تصمیمات سیاسی می‌گرفتند و رسانه‌ها به آن‌ها می‌گفتند که چگونه باید فکر کنند.

این منعکس‌کننده احساسات در میان رای دهندگان بود، زمانی که ترامپ برای اولین بار در سال ۲۰۱۶، ۳۱٪ امتیاز بر میشیگان پیروز شد، دیوار آبی را به‌عنوان عاملی برای تغییر افراد طبقه کارگر که از سیستم عقب مانده بودند شکست و بر حمایت هیلاری کلینتون برای دهندگان شهری و حومه شهر غلبه کرد.

در سال ۲۰۱۶، ترامپ از یک حزب جمهوری خواه ایالتی به خوبی سازماندهی شده تحت رهبری رونا مک دانیل بهره‌مند شد، که از نزدیک وضعیت ایالت‌رادر کردوبه‌تنهایی ۲۰ میلیون دلار برای رقابت‌های انتخاباتی جمع‌آوری کرد تا کمیته ملی جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری تمرکز کند. انتخابات زمانی که مک دانیل در سال ۲۰۱۷ ۲۰ کمیته ملی جمهوری خواهان را ترک کرد، پیش از سقوط تقریباً حزب جمهوری خواه میشیگان بود. فعالان مردمی که به ترامپ وفادار بودند، اما تجربه چندانی در اداره یک ماشین حزبی نداشتند، در نهایت رهبری را به دست گرفتند که منجر به کاهش جمع‌آوری کمک‌های مالی و سازماندهی شد.

در سال ۲۰۲۰، ترامپ عملاً مستقل بود و با نامزد دموکرات، جو بایدن، با اعتبار بیشتری نزد طبقه کارگر سفیدپوست رقابت می‌کرد.

بایدن ۵۶ درصد از خانواده‌های اتحادیه‌ها را به‌دست آورد و از حمایت قوی رای دهندگان سیاه‌پوست و رای دهندگان جوان برخوردار شد. با این حال، این بار شرایط به‌طور قطع متفاوت بود. حزب ایالتی در نهایت کریستینا کارامو، رئیس «بی کفایت» خود را به نفع پیت هوکسترا، نماینده سابق کنگره و سفیر برکنار کرد. کمک‌کنندگان بزرگ احزاب مانند بتسی دیووس، وزیر آموزش سابق و ران ویزر، رئیس سابق حزب جمهوری خواه میشیگان، هزینه‌های زیادی را صرف ایجاد زیرساخت‌های حمایت از نامزدهای خود در خارج از حزب ایالتی کردند. گروه‌هایی مانند America PAC ایلان ماسک و اقدام

نقطه عطف چارلی کرک به‌طور مشابه به تقویت بازی زمینی ترامپ در میشیگان و سایر ایالت‌های کلیدی کمک کردند. او به رای دهندگان میشیگان در یک گردهمایی در گراند راپیدز در آستانه انتخابات وعده داد که ترامپ آنجا بود تا «آن را اصلاح کند». تمرکز کارزار او بر اقتصاد و مهاجرت، دو موضوع اصلی تاثیرگذار بر رای دهندگان، به او کمک کرد تا نه تنها طبقه کارگر سفیدپوست کم‌ریند زنگ‌زده را دوباره به دست آورد، بلکه به ائتلاف خود افزود و تقریباً در هر جمعیتی دستاوردهایی داشت. بخش قابل توجهی از این رای دهندگان، حتی اگر به‌طور کامل به ترامپ رای نمی‌دادند، دموکرات‌ها و معاون رئیس جمهور کاملاً هریس را رها کردند. هریس نتوانست مواضع سیاسی خود را برای رای دهندگان توضیح دهد و نگفت چه کاری متفاوت از بایدن انجام خواهد داد، حتی در حالی که خود را به‌عنوان گزینه آینده معرفی می‌کند.

رای دهندگان میشیگان به دو موضوع خاص ایالتی در طول نظرسنجی خروجی اشاره کردند: «فرمان احتمالی خودروهایی الکتریکی و جنگ اسرائیل و حماس». زمانی که هریس سناتور بود، لایحه‌ای را تصویب کرد که طبق آن تمام فروش خودروهایی جدید باید تا سال ۲۰۴۰ خودروهایی با آلایندگی صفر باشد و دولت بایدن - هریس قانون آژانس حفاظت از محیط زیست را تصویب کرد که خودروسازان را مجبور به کاهش تولید خودرومی کرد. خودروهایی گازسوز این سیاست‌ها خبریدی برای کارگران امروری خودرواست، زیرا فرود قبلاً تولید خودروهایی برقی خود را کاهش داد زیرا تقاضا برای خودروها متوقف شد و تولید خودروهاگران تر شد. بدون یارانه‌های هنگفت، خودروسازان آمریکایی احتمالاً از این گذار جان سالم به‌در نخواهند برد، که شغل حدود ۲۰ هزار کارگر خودرو در میشیگان و خانواده‌های متکی به آن‌ها را تهدید می‌کند. کارگران خودرو برای رئیس جمهور ترامپ، برایان پینکر، UAW، راه‌بده دلیل حمایتش از هریس فراخواندند، و حتی ایسا سالاتکین، نماینده دموکرات، در هفته‌های پایانی مبارزات انتخاباتی خود در مجلس سنا، از موضوع خودروهایی برقی فرار کرد، زیرا می‌دانست که این موضوع از نظر سیاسی سمی است.

ترامپ وعده داده است که از تعرفه‌ها برای حفظ مشاغل خودروسازی آمریکایی و جذاب‌تر کردن وسایل نقلیه داخلی برای

صرف‌کنندگان استفاده کند. او در اوایل سال جاری هشدار داد که اگر دولت بایدن هریس برای چهار سال دیگر در راس کار قرار گیرد، «حمام خون» برای صنعت خودرو خواهد بود. اظهاراتی که توسط دموکرات‌ها و رسانه‌ها که او را به تهدید به خشونت متهم می‌کنند، سوء تعبیر کرده بودند. هریس همچنین با نگرانی‌های رای دهندگان میشیگان در مورد رویکردش به جنگ اسرائیل و حماس دست‌وپنجه نرم کرد. او قول داد که سیاست بایدن را در مورد مناقشه ادامه دهد، زیرا پایگاه ترقی خواهان دموکرات‌ها برای تحریم تسلیحاتی و آتش‌بس فوری التماس می‌کرد، اما با عبور از جاش شاپیرو، فرماندار پنسیلوانیا به‌عنوان معاون خود و بیان متناوب به آمان فلسطین، رأی دهندگان یهودی را رد کرد. ترامپ باید از کاتولیک‌ها به خاطر فعالیت‌هایشان در ایالت‌های نوسانی تشکر کند. او حمایت خود را در میان کاتولیک‌ها در سال ۲۰۱۶ دو برابر کرد، از برتری هفت امتیازی نسبت به کلینتون به ۱۴ امتیاز نسبت به هریس. در سال ۲۰۲۰، ترامپ کاتولیک‌ها را تنها با یک امتیاز در مقابل جو بایدن، نامزد کاتولیک‌ها برد. دموکرات‌ها امیدوار بودند که ترامپ در زمان تبلیغات انتخاباتی از دیترویت در میشیگان آراء خود را سوزانده باشد، اما در نظر نگرفته بودند که مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند، اگرچه مملو از غرور برای شهر خود هستند، اما برای خود و همسایگان خود بهتر می‌خواهند.

<https://B2n.ir/h72498>

بی‌نظمی جهانی، قدرتهای میانی و رئیس‌جمهور بعدی آمریکا



نشانی اینترست کامران بخاری

پس از یک پیروزی قاطع، دونالد جی ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در حال آماده شدن برای بازگشت به کاخ سفید است. همان طور که در مورد روسای جمهور دوره دوم که از محدودیت‌های انتخاب مجدد حذف شده‌اند، ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب احتمالاً سیاست‌هایی را که به آن اعتقاد دارد، دنبال خواهد کرد، به‌ویژه در عرصه جهانی که مدیران ارشد اجرایی آمریکایی از محدوده وسیعی از فعالیت برخوردارند. ترامپ در لحظه‌ای که بی‌نظمی جهانی رو به رشد است، قدرت را به دست خواهد گرفت. مقابله با آن نیاز به تفکر خارج از چارچوب و شرکای جدید، به‌ویژه در اوراسیا دارد.

در این عصر مملو از تشدید درگیری‌ها که عمدتاً توسط رقابت قدرت‌های بزرگ ایجاد می‌شود، دسته‌دومی از ملت‌ها خود را نشان می‌دهند. کشورهای در مناطق مختلف جهان مانند استرالیا، برزیل، اندونزی یا لهستان که به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان «قدرت‌های میانی» شناخته می‌شوند، با انگیزه ترکیبی از تهدیدها و فرصت‌ها، سعی در ایفای نقش در مدیریت معماری جهانی تحت فشار و استرس فزاینده دارند. یکی از این بازیگران نوظهور، قزاقستان است، با موقعیت منحصر به فردش بین روسیه، چین و آمریکا. دولت آینده ترامپ به رویکردی استراتژیک برای روابط با آستانه و منطقه آسیای میانه گسترده‌تر نیاز دارد.

من در روزهای ۱۵ تا ۱۸ اکتبر در پایتخت قزاقستان بودم و در کنفرانسی درباره ظهور قدرت‌های میانی و پیامدهای یک سیستم بین‌المللی در آشفتنی روبه‌رشد شرکت کردم. مؤسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان مجموعه‌ای از محققان و دست‌اندرکاران سابق سیاست خارجی را از سراسر جهان دعوت کرده بود تا نقش کشورهای درجه دوم را در عصر مخاطراتی که از پایان

جنگ جهانی دوم مشاهده نشده است، ارزیابی کنند. قزاقستان، در قلب ابرقاره اوراسیا، در حال شکل دادن به گفت‌وگوی جهانی در این زمینه است. در همان روزی که کنفرانس آغاز شد، قزاقستان پیشنهاد عضویت در گروه بریکس به رهبری چین و روسیه را رد کرد. بریک اولی، سخنگوی ریاست جمهوری گفت: «در عین حال و به احتمال زیاد در آینده قابل پیش‌بینی، قزاقستان از ارائه درخواست به بریکس خودداری خواهد کرد.» اوالی توضیح داد که قاسم جومارت توقایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، سازمان ملل را به‌عنوان یک «سازمان جهانی و بی‌مناقشه» می‌بیند و به دنبال اصلاحاتی در شورای امنیت سازمان ملل است تا منافع قدرت‌های میانی را منعکس کند. این موضع‌گیری بارویکرد طولانی‌مدت آستانه به سیاست خارجی مطابقت دارد، مفهومی که توسط خود توقایف در دهه ۱۹۹۰ زمانی که وی به‌عنوان وزیر امور خارجه خدمت می‌کرد، ابداع شد.

توقایف سخنران اصلی این کنفرانس بود و بر چالش‌هایی که کشورش برای عبور از وضعیت فزاینده رقابت قدرت‌های بزرگ با آن مواجه است، تأکید کرد. او معتقد است که حل‌وفصل جنگ اوکراین از طریق مذاکره ضروری است و هشدار داد که «جایگزین آن جنگ نابودی متقابل است.» قزاق‌ها ادامه درگیری‌ها در اوکراین را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌دانند زیرا پتانسیل آن برای آسیب رساندن به اقتصاد سیاسی و حتی حاکمیت و استقلال آن‌هاست. آن‌ها ناتوانی واشنگتن و مسکو را در دستیابی به توافق می‌بینند و به‌عنوان سهام‌داران اصلی امیدوارند نقش یک میانجی را ایفا کنند. متأسفانه غرب ناتوانی خود را در بازدارندگی روسیه از حمله به اوکراین نشان داد. علاوه بر این، پس از ناکامی در جلوگیری از جنگ، دولت بایدن ثابت کرد که قادر به کمک به کی‌یف در دفاع از خود در برابر حمله نظامی کرملین نیست. در چند ماه گذشته، نیروهای روسی

شروع به پیشروی عمیق‌تر به داخل خاک اوکراین کرده‌اند، وضعیتی که توقایف در سخنرانی خود زمانی که مسکو را «نظامی شکست‌ناپذیر» توصیف کرد، به آن اشاره کرد. هرچقدر هم که ناراحت‌کننده باشد، این تصور از واقعیت‌های فضای جنگ و ناکارآمدی رژیم تحریم‌های غرب ناشی می‌شود.

رهبر قزاقستان در ادامه از نقش محوری سازمان ملل متحد سخن گفت و تأکید کرد این سازمان پیشروترین نهاد بین‌المللی برای مقابله با مشکلات جهانی است. او استدلال کرد که ایرادات آن می‌تواند با توانمندسازی قدرت‌های منطقه‌ای و میانی، به‌ویژه در شورای امنیت، اصلاح شود. این امر نشان می‌دهد که در حالی که قزاقستان روابط نزدیک خود را با روسیه و چین حفظ خواهد کرد، اما علاقه‌ای به پیوستن به بریکس ندارد، مجمعی که تحت سلطه دو دشمن اصلی آمریکا است. در عوض، آستانه علاقه‌مند به بازی در ژئوپلیتیک اتحاد

اصلی است که نیاز به تعادل بین منافع رقیب دارد. جاه‌طلبی‌های سیاست خارجی قزاقستان نشان‌دهنده یک فرصت تاریخی برای آمریکا است که نمی‌تواند آن را از دست بدهد. آمریکا به شکرایی در اوراسیا نیاز دارد که بتوانند در زمانی که مسکو و پکن، دو قدرت بزرگ ضد وضعیت موجود، سعی در تضعیف ساختار نظام بین‌الملل دارند، به واشنگتن کمک کنند؛ بنابراین، بسیار مهم است که آمریکا از روابط تسلیحاتی فعلی خود با قزاقستان و آسیای میانه فراتر رود که متأسفانه، دولت‌های دموکرات و جمهوری خواه آن را حفظ کرده‌اند. تیم انتقالی ترامپ باید برنامه‌ریزی کند تا فراتر از «گفت‌وگوهای مشارکت راهبردی تقویت‌شده» با آستانه، به نفع امنیت و منافع اقتصادی دو کشور و همچنین تقویت روابط با آسیای میانه و کمک به امنیت و ثبات بین‌المللی باشد.

قتل‌های هدفمند، حزب‌الله را نابود نمی‌کند



فازن افروز

سارا پارکینسون / جونا وول

اسرائیل، حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان را در حومه جنوبی بیروت ترور کرد و چندین رهبر دیگر و دست‌کم ۳۳ غیرنظامی را کشت. این حمله همراه با تهاجم زمینی اسرائیل به لبنان، منجر به کشته شدن صدها شبهه‌نظامی و هزاران غیرنظامی شده است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، موفقیت این کارزار را اعلام کرد و مدعی شد که این کارزارها به نابودی دائمی حزب‌الله کمک می‌کند، اما با این حال، این سازمان سازگار و انعطاف‌پذیر است و اسرائیل ممکن است در تجربه موقت آن موفق شود، اما حزب‌الله احتمالاً تحکیم مجدد خواهد کرد و فرماندهان جدید ممکن است برای اثبات اعتبار خود علیه اسرائیل تلافی‌های هوشمندانه‌ای انجام دهند. به رغم کارزارهای ترور اسرائیل، احتمالاً گروه دیگری ظاهر می‌شود تا این خلاء را پر کند.

عواقب ناخواسته ترورهای اسرائیل؛ اسرائیل بیش از ۵۰ سال است که با استفاده از حملات کماندویی، خودروهایی بمب‌گذاری شده و حملات هوایی، رهبران شبهه‌نظامیان را در لبنان ترور می‌کند. این به عنوان «بریدن سر مار» شناخته می‌شود که هدف آن تحقیر و شکست گروه‌های مسلح سازمان یافته است، اما با این حال، قوانین درگیری‌های مسلحانه چنین اعدام‌های غیرقانونی

را ممنوع می‌کند. طرفداران استدلال می‌کنند که قتل‌های هدفمند باید به اصل تناسب احترام بگذارند، به این معنی که دستاورد نظامی باید تلفات غیرنظامیان را توجیه کند. به رغم ادعاهای آن‌ها، قتل‌های هدفمند اغلب نتیجه معکوس می‌دهند، زیرا آن‌ها به جای ایجاد راه‌حل‌های پایدار، بر دستاوردهای سیاسی کوتاه مدت تمرکز می‌کنند. پس از یک ترور بزرگ، گروه‌ها می‌توانند سردرگمی، اندوه و پارانویا را تجربه کنند، اما معاونان و مبارزان می‌توانند به حملات خود ادامه دهند. تشدید تنش حزب‌الله پس از دست دادن چهره‌های کلیدی، مانند عباس الموسوی، منجر به افزایش قدرت و تشدید تنش شد. ترورها همچنین

منجر به تلفات و ویرانی‌های گسترده غیرنظامیان شده است. دولت اسرائیل از روش‌های مختلفی برای تسریع تخلیه استفاده می‌کند، اما این روش‌ها اغلب از آسیب‌های گسترده جلوگیری نمی‌کنند. دولت امیدوار است که سختی‌های ایجاد شده توسط عملیات‌های پی‌درپیش غیرنظامیان را علیه حزب‌الله سوق دهد که معتقد است به هدف قراردادن اعضای آن و از بین بردن نفوذ آن کمک می‌کند. با این حال، سوابق کشتارهای هدفمند نشان می‌دهد که حملات اسرائیل به حزب‌الله بعید است که این گروه را از بین ببرد، زیرا انعطاف‌پذیری و سازگاری خود را ثابت کرده است.

ibit.ly/IXT_6

تکذیب دیدار نماینده ایران با ایلان ماسک

صدای آمریکا

در پی بالا گرفتن انتقادات برخی جریان‌های سیاسی در ایران از دیدار نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل با ایلان ماسک، سخنگوی وزارت امور خارجه این دیدار را تکذیب کرد.

اسماعیل بقایی دیدار ایلان ماسک، مقام آتی کابینه دونالد ترامپ با امیر سعید ایروانی، نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در نیویورک را «فضاسازی رسانه‌ای» دانست.

این در حالی است که خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی به نقل از یک مقام آمریکایی اعلام کرده که حکومت

هیچ‌یک از طرفین گرفته نشده است. «روزنامه نیویورک تایمز جمعه ۲۵ آبان اعلام کرده بود که ایلان ماسک، از افراد نزدیک به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، در نیویورک با سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد دیدار و گفت‌وگو کرده است. نیویورک تایمز به نقل از دو مقام ایرانی نوشته بود که دیدار ایروانی و ماسک به جمهوری اسلامی امکان داد تا بدون مذاکره مستقیم با یک مقام رسمی آمریکایی، بتواند راهی برای مذاکره پیدا کند. نیویورک تایمز همچنین در گزارشی اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی به دولت

بایدن ضمانت داده بود که اقدام به ترور دونالد ترامپ نخواهد کرد.

ایلان ماسک به زودی نقش رسمی خود را در دولت ترامپ ایفا خواهد کرد و به‌عنوان مدیر مشترک یک سازمان جدید دولتی برای افزایش بهره‌وری دولت فدرال معرفی شده است.

یک مقام وزارت امور خارجه ایران به نیویورک تایمز گفته بود ایروانی در این جلسه به ماسک پیشنهاد کرده است تا معافیتی هایی از تحریم‌ها از وزارت خزانه‌داری آمریکا دریافت کند و برخی از کسب‌وکارهای خود را به تهران بیاورد.

ibit.ly/4SKgQ

چین باید نگران کره شمالی باشد



فازن افروز
لی هی اوک / سونگمین چوا

کره شمالی هزاران سرباز را برای پیوستن به روسیه در جنگش علیه اوکراین فرستاده است که سطح جدیدی از هماهنگی را نشان می‌دهد. این نزدیکی خشم چین، حامی اصلی کره شمالی را برانگیخته است که می‌ترسد نفوذ روسیه به ضرر چین افزایش یابد. پکن به‌طور علنی با دشمنان کره شمالی و برگزاری نشست‌های سه‌جانبه با کره جنوبی و ژاپن واکنش نشان داده است. تحلیل‌گران امنیتی غربی استدلال می‌کنند که آمریکا و متحدانش باید تلاش کنند بین چین و کره شمالی شکاف ایجاد کنند، اما این بیهوده خواهد بود. کره شمالی تا حد زیادی به چین متکی است و آمریکا باید با دولت چین همکاری کند تا رفتار ناپایدار کره شمالی را مهار کند.

آزادی‌های طولانی مدت؛ کره شمالی که اغلب به‌عنوان یک دست‌نشانده چینی شناخته می‌شود، مدت‌هاست که به دنبال خودمختاری در سیاست خارجی خود بوده است. روابط بین دو کشور با اصطکاک همراه بوده است، به‌طوری‌که کره شمالی از دست داشتن چین در کودتای ۱۹۵۶ ابراز نارضایتی کرد و چین در انقلاب فرهنگی دهه ۱۹۶۰ کیم را «دیکتاتور ضد انقلاب» نامید. این روابط همچنین به دلیل تمایل کره شمالی به روسیه تیره شد. در سال ۱۹۹۲، چین

برخلاف میل کیم با کره جنوبی روابط دیپلماتیک برقرار کرد و در سال ۲۰۰۶، چین به تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه‌های موشکی و تسلیحات هسته‌ای پیونگ‌یانگ پیوست. در سال ۲۰۱۷، پکن آشکارا از پیونگ‌یانگ به دلیل داشتن تسلیحات هسته‌ای و نقض معاهده آن‌ها انتقاد کرد. در سال‌های اخیر، کره شمالی ناامیدی خود را از چین به دلیل عدم حمایت دیپلماتیک و اقتصادی نشان داده است. در سال ۲۰۲۳، چین ۹۸ درصد از حجم تجارت رسمی کره شمالی را به خود اختصاص داده است. چین از سیاست‌های اقتصادی برای ابراز ناامیدی از کره شمالی به دلیل همسویی با روسیه و امتناع از مشورت با چین در مورد تحریمات نظامی استفاده کرده است. پکن قاچاق راسرکوب کرده، فروش

غذاهای دریایی کره شمالی را در چین محدود کرده و ماهیگیری غیرقانونی قایق‌های چینی در آب‌های کره شمالی را دشوارتر کرده است. در جولای ۲۰۲۴، پکن از کره شمالی خواست تا ده‌ها هزار کارگر کره شمالی را در چین فرا بخواند تا از قطعنامه ۲۹۳۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد تبعیت کند و به این ترتیب پول کره شمالی را از ارزش خارجی قطع کرد. هدف از این اقدامات تنبیه کره شمالی به دلیل همکاری اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی با روسیه و همچنین جذب سرمایه‌گذاری خارجی و حفظ روابط تجاری قوی با آمریکا و اروپا است. تنش بین چین و کره شمالی تهدیدی برای آمریکا یا متحدانش نیست. با وجود وابستگی اقتصادی به چین، کره شمالی بیش از ۲۰ میلیارد دلار کسری تجاری با

چین دارد. چین اهرم فشار بر کره شمالی را حفظ می‌کند، اما از بازی سخت‌پرهیز می‌کند. اقدامات حکومت کیم می‌تواند چین را به آغوش روسیه یا آمریکا سوق دهد. ارزش کره شمالی فراتر از نقش آن به‌عنوان یک منطقه هسته‌اش است. استراتژیست‌های چینی نسبت به تلاش‌های غرب برای سوءاستفاده از تنش بین چین و کره شمالی محتاط هستند. برای جلوگیری از عواقب معکوس، آمریکا باید بر جلوگیری از جنگ در شبه‌جزیره کره تمرکز کند و از چین بخواهد خودداری از حمله مستقیم به کره جنوبی و اجتناب از آزمایش هسته‌ای توسط کره را در اولویت قرار دهد. یک رویکرد متمرکز برای دستیابی به منافع مشترک احتمالاً نتایج بهتری به همراه خواهد داشت.

ibit.ly/Mrnyu

واکنش چشمگیر بازارهای مالی به پیروزی ترامپ

وال استریت ژورنال

بازگشت ترامپ به کاخ سفید، موجی از رشد را در بازارهای مالی آمریکا به راه انداخت. سهام بانک‌ها، دلار آمریکا، اوراق خزانه و بیت‌کوین همگی با افزایش قابل توجهی روبرو شدند. تغییر در فضای سیاسی آمریکا، تحولات قابل توجهی را در بازارهای مالی رقم زد. ارزش دلار در برابر یورو ۱٫۸ درصد افزایش یافت و بازده اوراق خزانه بزرگ‌ترین جهش یک‌روزه خود از سال ۲۰۲۰ را تجربه کرد. سهام بانک‌ها و رمزارزها نیز با رشد همراه شدند که نشان‌دهنده پیش‌بینی

تغییرات سیاستی از جمله کاهش مالیات شرکت‌ها، اعمال تعرفه‌های جدید و کاهش مقررات بانکی است. یک تحلیل‌گر بازار سرمایه می‌گوید: «بازده اوراق خزانه به ۴٫۴ درصد رسیده که در مقایسه با ۱٫۸ درصد سال ۲۰۱۶، افزایش قابل توجهی است. این نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران انتظار دارند کسری بودجه بالا در دولت جدید ادامه یابد.» اگرچه تأثیرات اقتصادی سیاست‌های مهاجرتی و تعرفه‌ای هنوز نامشخص است، اما سرمایه‌گذاران با دقت اوضاع

را زیر نظر دارند. تعرفه‌های جدید، از جمله افزایش ۶۰ درصدی بر واردات از چین و افزایش تعرفه بر واردات خودرو از مکزیک، می‌تواند ضمن تقویت دلار، بر تجارت جهانی تأثیر بگذارد. شاخص راسل ۲۰۰۰ که نشان‌دهنده عملکرد شرکت‌های کوچک‌تر با تمرکز داخلی است، رشد ۵٫۸ درصدی را ثبت کرد که دو برابر رشد شاخص S&P ۵۰۰ است. دلیل این امر آسیب‌پذیری کمتر این شرکت‌ها در برابر تعرفه‌هاست. یک کارشناس اقتصادی هشدار می‌دهد: «واکنش‌های متقابل جهانی می‌تواند به

اعمال تعرفه‌های بیشتر بر صادرات آمریکا منجر شود که این امر می‌تواند بر رشد و ثبات بازار سهام تأثیر منفی بگذارد.» در حال حاضر، نسبت قیمت به سود پیش‌بینی شده شاخص S&P ۵۰۰ به ۲۲ رسیده که در مقایسه با نسبت ۱۶ در سال ۲۰۱۶، افزایش چشمگیری داشته است.

تحلیل‌گران معتقدند این ارزش‌گذاری بالای بازار نشان می‌دهد هرگونه شکست در اجرای سیاست‌ها می‌تواند تأثیرات بزرگی بر بازار داشته باشد.

ibit.ly/FTqp

چین در آسیای میانه و قفقاز جنوبی



آز نیوز یونس شریفلی |

تعامل چین با آسیای میانه و قفقاز جنوبی در حال تحول است و نقش معمول آن در حال بازتعریف است، این موضوع نشان دهنده رویکردی متنوع تر در مشارکت های منطقه ای است. در حالی که پکن نفوذ خود را در این مناطق مهم ژئوپلیتیکی گسترش می دهد، این سؤال مطرح می شود که آیا چین صرفاً یک شریک اقتصادی است یا در حال تغییر یویایی قدرت در مناطقی است که به طور معمول تحت نفوذ روسیه هستند؟ از لحاظ تاریخی، تمرکز چین در آسیای میانه عمدتاً اقتصادی بوده و سرمایه گذاری در انرژی و زیرساخت ها در مرکز توجه قرار گرفته است. برای دهه ها، رویکرد پکن حول استخراج مواد خام، به ویژه نفت و گاز، و ایجاد زیرساخت هایی مانند جاده ها و خطوط لوله برای انتقال این منابع به بازارهای چین بوده است، اما با این حال، این روایت در سال ۲۰۱۵ شروع به تغییر کرد. چین با هدف کمک به صنعتی شدن منطقه، شروع به تنوع بخشیدن به سرمایه گذاری های خود برای افزایش بخش صنعتی کرد. تا سال ۲۰۱۸، با تبدیل شدن پروژه های انرژی سبز، مانند انرژی باد و خورشیدی، این تغییر به یک نقطه کانونی تبدیل شد. این همسویی با اهداف توسعه منطقه ای، موقعیت چین را به عنوان یک شریک اقتصادی کلیدی تقویت کرده است و از استخراج منابع فراتر رفته و از انرژی های تجدیدپذیر و رشد صنعتی حمایت می کند.

در قفقاز جنوبی، رد پای پکن از نظر تاریخی کمتر شده است، اما در سال های اخیر شاهد افزایش فعالیت های در آذربایجان و گرجستان بوده ایم؛ به عنوان مثال، چین در حال حاضر بازیگر مهمی در بخش انرژی های تجدیدپذیر آذربایجان است که در یادداشت تفاهم بین وزارت انرژی آذربایجان و سرمایه گذاری خارجی برجسته شده است. این مشارکت بر نقش دوگانه چین به عنوان تأمین کننده مواد و توسعه دهنده پروژه های انرژی تجدیدپذیر تأکید می کند. فراتر از انرژی، نفوذ چین به بازار خودروهای برقی، با افزایش صادرات به منطقه

ماند. رویکرد دوگانه توسعه اقتصادی و آمادگی نظامی نشان دهنده تعهد پکن به جلوگیری از استقلال تایوان و در عین حال اجتناب از درگیری آشکار است. با این حال، موضوع تایوان همچنان یک نقطه اختلاف قابل توجه در روابط آمریکا و چین است و پتانسیل تشدید تنش همچنان وجود دارد.

نقش رو به رشد چین در آسیای میانه و قفقاز جنوبی نشان دهنده توانایی این کشور برای انطباق و همسوسازی سرمایه گذاری های خود با اولویت های منطقه است. پکن با تنوع بخشیدن به مشارکت خود برای گنجاندن انرژی سبز و صنعتی شدن، خود را به عنوان یک شریک اقتصادی حیاتی در این مناطق قرار داده است. در عین حال، رویکرد محتاطانه این کشور به امنیت منطقه ای، روابط مکمل با روسیه را تضمین می کند و خطر درگیری بر سر نفوذ را کاهش می دهد.

در حالی که فعالیت های چین در آسیای میانه و قفقاز جنوبی جایگاه جهانی آن را تقویت می کند، مسئله حل نشده تایوان پیچیدگی چالش های سیاست خارجی پکن را برجسته می کند. ایجاد توازن در تعامل اقتصادی با الزامات استراتژیک در رویکرد چین در سال های آینده محوری باقی خواهد ماند و روابط این کشور را با مناطق همسایه و قدرت های بزرگ جهانی شکل می دهد.

<https://tinyurl.com/2cywqf2k>

حمل و نقل نیز کمک می کنند. با مشارکت در چنین ابتکاراتی، چین نیاز به سرمایه گذاری مستقیم را کاهش می دهد و در عین حال مسیرهای تجاری و قابلیت های لجستیکی خود را افزایش می دهد. این یویایی همکاری، حضور بلندمدت چین در اوراسیا را تقویت می کند و روابط اقتصادی و ارتباط آن با اروپا را تقویت می کند.

نفوذ بسیار بالای چین در آسیای میانه و قفقاز جنوبی به عنوان یک نیروی مکمل برای روسیه تلقی شده است که به عنوان تأمین کننده مالی و امنیتی منطقه عمل می کند. سرمایه گذاری های پکن در زیرساخت ها و انرژی، نفوذ غرب را محدود می کند و نشانه احترام به سلطه معمول روسیه است. این درک ضمنی به چین اجازه می دهد تا فعالیت های اقتصادی خود را بدون ایجاد اصطکاک قابل توجه با مسکو گسترش دهد. آذربایجان، یک شریک استراتژیک برای چین، در قفقاز جنوبی است و همکاری های عمیق تر در تجارت، انرژی و زیرساخت ها را تقویت می کند. اهمیت راهبردی کریدور میانی برای طرح کمربند و جاده چین و پروژه های انرژی سبز با اهداف استراتژیک چین همسو بوده و در عین حال از جاه طلبی های رشد پایدار آذربایجان حمایت می کند.

طی پنج سال آینده، تلاش های چین برای ادغام تایوان احتمالاً در خط مقدم سیاست خارجی این کشور باقی خواهد

و قرارداد هایی با همکاری آذربایجان برای تولید اتوبوس های برقی، گسترش می یابد. این پیشرفت ها روی هم رفته نقش رو به رشد پکن را در آسیای میانه و قفقاز جنوبی، به ویژه در بخش های انرژی سبز و فناوری نشان می دهند. در میان کشورهای این مناطق، قزاقستان، ازبکستان و آذربایجان به ویژه برای جاه طلبی های استراتژیک چین برجسته هستند. اهمیت قزاقستان در جغرافیا و منابع آن است. این کشور به عنوان پل زمینی بین چین و اتحادیه اروپا، مسیرهای تجاری حیاتی برای طرح کمربند و جاده را تسهیل می کند. ذخایر غنی انرژی و مواد خاکی کمیاب قزاقستان آن را به شریکی حیاتی در تلاش چین برای منابع تبدیل کرده است. ازبکستان با جمعیت زیاد و فضای سرمایه گذاری در حال تحول، بازار مصرفی رو به رشد و فرصت هایی برای همکاری اقتصادی به چین ارائه می دهد. آذربایجان، واقع در قلب کریدور میانه، برای ارتباط تجاری چین با اروپا بسیار مهم است. پیگیری فعال انرژی های تجدیدپذیر این کشور به خوبی با اولویت های سرمایه گذاری چین همسو می شود و آن را به یک شریک ضروری تبدیل می کند.

در مجموع، این کشورها نه تنها فرصت های اقتصادی را برای پکن فراهم می کنند، بلکه به همکاری های منطقه ای در زمینه انرژی سبز و زیرساخت های

جنگ فرهنگی متقابل

است، از جمله تلاش برای تنوع، برابری، و شمول (DEI). دموکرات‌ها استدلال می‌کنند که سیاست‌های DEI ارتش را فراگیرتر و قوی‌تر می‌کند، از طریق جمعیتی متنوع که نماینده آمریکا هستند. ترامپ برای ایجاد اصلاحات در پنتاگون از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است، اما در کنگره نیز متحدانی خواهد داشت. پیشنهاد «پروژه ۲۵۰۲۵» ایجاد شده توسط بنیاد هریتیج ممکن است سرخ‌هایی از نحوه رسیدگی دولت وی به مسئله نیروهای تراجنسیتی همراه با سایر اصلاحات داشته باشد. اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا (ACLU) پیشنهادات ترامپ علیه تراجنسیتی‌ها را یک عقب‌گرد بزرگ در حقوق جامعه خوانده است. میلر همچنین در مورد کاهش تعداد ژنرال‌ها و انتقال از «خزش رتبه» و افزایش نسبت افسران عالی‌رتبه به اعضای ارتش رده پایین می‌نویسد.

هیل بردرس

انتظار می‌رود ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب، ارتش آمریکا از جمله پنتاگون را با برنامه‌هایی برای کاهش هزینه‌ها، کاهش رتبه‌های بالا و کاهش تلاش‌ها برای فراگیرتر کردن ارتش برای تراجنسیتی‌ها و سربازان زن متحول کند. متحدان او و مقامات سابق دولت طرحی برای تغییرات عمیق، از جمله مسائل بحث‌برانگیز جنگ فرهنگی، کاهش هزینه‌های دفاعی بهبوددهنده و کاهش تعداد ژنرال‌ها در ارتش ارائه کرده‌اند. پلتفرم جمهوری خواهان در سال ۲۰۲۴ وعده سرمایه‌گذاری در تحقیقات و فناوری‌های پیشرفته، حمایت از سربازان با دستمزد بالاتر و «در اسرع وقت اخراج دموکرات‌های چپ‌گرا» را می‌دهد. حزب جمهوری خواه بر سیاست‌های به اصطلاح «بیدار» تمرکز کرده و دولت بایدن را به اجرای آن‌ها متهم کرده

منتقدان استدلال می‌کنند که رده‌های نظامی کنونی بیش از حد متورم هستند و بوروکراسی غیرضروری را اضافه می‌کنند، با بیش از ۹۰۰ ژنرال فعال و افسر به ۱/۳ میلیون سرباز. منتقدان از این بیم دارند که کاهش تعداد ژنرال‌ها به دولت ترامپ اجازه دهد ارتش را سیاسی کند و منجر به اخراج ژنرال‌های وفادار سیاسی بیشتری شود. کارلتون هیلینگ، یکی از همکاران برنامه دفاعی در مرکز امنیت جدید آمریکا، معتقد است که پنتاگون می‌تواند از یک صنعت دفاعی رقابتی‌تر بهره‌مند شود، اگر این هدف دولت ترامپ باشد. جمهوری خواهان در کنگره احتمالاً از اقدامات حذفی دولت بایدن برای آماده‌سازی ارتش برای تغییرات آب‌وهوایی، از جمله طرح انتقال ناوگان خودروهایی غیر تاکتیکی به انرژی پاک یا جایگزین تا سال ۲۰۳۰ حمایت خواهند کرد.

<https://B2n.ir/q48600>

ظرفیت موشکی آمریکا به سرعت در حال کاهش است



کوئینسی مایک فردنیورگ

آمریکا موشک‌های خود را سریع‌تر از آن‌چه می‌تواند تولید کند، استفاده کرده و آن‌ها را تحویل می‌دهد و این امر باعث می‌شود تا آمادگی لازم برای درگیر شدن با اطمینان در یک درگیری مستقیم پایدار با رقیب هم‌تای خود مانند چین را نداشته باشد. این امر با این واقعیت نشان می‌دهد که ذخایر موشک‌ها و گلوله‌های توپخانه‌ای آمریکا در حال حاضر برای ارائه آنچه اوکراین برای تأمین سیستم‌های دفاع موشکی خود با رهگیرها نیاز دارد، کافی نیستند. ناتوانی آمریکا و متحدانش در ناتوانی در تهیه موشک‌های پدافند هوایی کافی، حمله و نابودی اهداف نظامی کلیدی را برای روسیه آسان‌تر کرده و زیرساخت‌های انرژی اوکراین را فلج کرده است. کمبود موشکی به موازات عدم تولید گلوله توپخانه‌ای آمریکا است که روسیه را قادر می‌سازد تا سرعت کنترل سرزمین‌های امروز اوکراین را افزایش دهد. در حالی که آمریکا قرار نیست فردا موشک‌های خود را تمام کند، موجودی موشک‌های این کشور، چه تهاجمی و چه دفاعی، در حال کاهش است. از ۱ فوریه ۲۰۲۴، نیروی دریایی آمریکا از حداقل ۱۰۰ موشک کلاس استاندارد خود در دریای سرخ استفاده کرده بود. یک گزارش

پدافند هوایی تاد آمریکا را دریافت کرد که هر یک از این سامانه‌ها بیش از یک میلیارد دلار قیمت دارد و هر موشک رهگیر تاد ۱۳ میلیون دلار قیمت دارد. با توجه به اینکه بار کامل سامانه تاد که ماه به اسرائیل فرستادیم ۴۸ موشک است، می‌توان فرض کرد که اسرائیل حداقل ۶۰۰ میلیون دلار رهگیر دریافت کرده است. تا سال ۲۰۲۳، گمان می‌رود که ایران بیش از ۳ هزار موشک بالستیک و هزاران پهپاد داشته باشد که در نتیجه ایران به‌طور بالقوه حملات بزرگ‌تری را در آینده نزدیک انجام خواهد داد. با این حال، اگر آمریکا درگیر جنگ با چین شود، واکنشگتن می‌تواند به راحتی ذخایر موشکی خود را در عرض چند ماه یا حتی چند هفته تمام کند.

<https://B2n.ir/d14658>

طبق گزارش بنیاد هریتیج، تا سال ۲۰۲۳، پنتاگون تقریباً ۱۲ هزار موشک استاندارد Standard ۴۰۰، SM-۲ (SM-۲)، ۱ هزار و ۵۰۰ SM-۳ (SM-۳)، ۹ هزار موشک حمله زمینی تاماهاوک (TLAM) خریداری کرده است. وال استریت ژورنال تخمین می‌زند که وقتی تمرین‌های آموزشی و بازنشستگی سلاح‌های قدیمی‌تر در نظر گرفته می‌شود، تا سال ۲۰۲۰ فقط حدود ۴ هزار TLAM باقی مانده است و از آن زمان تاکنون آمریکا فقط ۲۵۰ یا بیشتر TLAM دیگر تولید کرده است. تکمیل دفاع آمریکا از اسرائیل به خرج کردن موشک‌ها محدود نشده است. اسرائیل در ۲۱ اکتبر یکی از هفت سامانه

جولای ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که گروه ضربتی دوایت آیزنهاور ۱۵۵ موشک سری استاندارد چند میلیون دلاری، ۱۳۵ موشک کروز چند میلیون دلاری تاماهاوک، ۶۰ موشک هوا به هوا چند میلیون دلاری، ۴۲۰ مهمات هوا به سطح با هزینه‌های ۴۲۰ میلیون دلار و احتمالاً در صداهای میلیون دلاری موشک دیگر استفاده کرده است. نیروی دریایی آمریکا به استفاده از موشک‌های گران‌قیمت برای سرنوشتی پهپادها و موشک‌های ارزان قیمت حوثی‌ها ادامه داده است. حداقل در دو نوبت، آوریل و اکتبر سال جاری، کشتی‌های جنگی ما از موشک‌های SM-۲ و SM-۳ برای محافظت از اسرائیل در برابر موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایرانی استفاده کردند.

هاآرتص / الون پینکاس

پیامدهای خروج آمریکای ترامپ از ناتو



چهار اصطلاح اساسی به زودی منسوخ می شوند و باید از واژگان روابط بین الملل خارج شوند، اصطلاحی که آمریکایی ها در سال ۱۹۴۵ پس از جنگ جهانی دوم نوشتند و زمانی که اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۹۰ از هم پاشید، تجدیدنظر شد: «استثنای گرای آمریکایی» «ملت جدایی ناپذیر»، «صلح آمریکایی» و «دیپلماسی نرم».

این اصطلاحات همگی عملکرد عالی داشتند. آن پایه های هر دو نوع «واقع گرایی» و «آرمان گرایی» در سیاست خارجی آمریکا بودند و قدرت آمریکا را پیش بینی می کردند.

اکنون به نظر می رسد که همه آن ها ارتباط خود را تمام کرده اند و نکته عجیب این است که هر اتفاقی بیفتد نتیجه یک تصمیم آگاهانه آمریکایی خواهد بود، نه کاهش واقعی قدرت.

از نظر سیاست خارجی، رأی به کاملاً هریس به احتمال زیاد، رأی به وضعیت موجود در حالی که سطحی از ثبات و قابل پیش بینی را فراهم می کند، تلقی می شود. این رویکرد منجر به رکود و راه حل های قدیمی برای مشکلات پیچیده تر می شود.

رأی به سیاست خارجی ترامپ یک رأی ذاتاً ضد وضعیت موجود بود. وقتی شما بزرگ ترین ابرقدرت تاریخ هستید اما در آستانه کنار گذاشتن داوطلبانه قدرت هژمونیک خود قرار گرفته اید، وضعیت موجود فرو می پاشد.

خرد متعارف در مورد سیاست خارجی ترامپ این است که این بار او آماده تر، کارکشته تر، آشنا با اکوسیستم سیاست خارجی واشنگتن و به شدت مجهزتر برای مقابله با جهان است.

اگر از این بابت اطمینان دارید، ممکن است زور و اجبار با شما باشد. جهان در سال ۲۰۲۵ مانند زمانی که ترامپ در سال ۲۰۲۱ کاخ سفید را ترک کرد، نخواهد بود. تفکر خارج از چارچوب (به معنی فکر کردن به روشی متفاوت، غیرمعمولی، مبتکرانه یا از جنبه ای متفاوت) معمولاً چیز خوبی است، اما تمسخر، تحقیر و دشمنی با اتحاد های آمریکا کاملاً مسئله دیگری است.

هر یک از انتصابات امنیت ملی و سیاست خارجی ترامپ بلافاصله با برجسب «یک جنگ طلب ضد ایران»، «یک جنگ طلب ضد چین»، «یک عذرخواهی طرفدار روسیه»، «اول آمریکا» شناخته شد. هیچ یک به عنوان «طرفدار اتحاد»، «چندجانبه گرا» توصیف نشده است.

این امر در هیچ کجا به اندازه ناتو، بادوام ترین و موفق ترین اتحاد دفاعی و دیپلماتیک در تاریخ

آشکار نیست. ترامپ به صراحت گفته است که از ناتو بیزار است. او استدلال های برجسته ای در مورد نیاز کشورهای عضو ناتو به افزایش هزینه های دفاعی خود بیش از ۲ درصد تولید ناخالص داخلی ارائه کرده است. آن ها باید ۳٫۵ تا ۴ درصد را هدف قرار دهند.

ترامپ اکنون اینجاست؛ اما رویکرد او در معاملات ملکی برای حفظ چنین اتحاد گسترده ای مناسب نیست، اتحادی که از زمان تهاجم کامل روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ گسترش یافته است. ترامپ قبلاً ایده خروج از ناتو را مسخره کرده و آن را به بازی گرفت. این دقیقاً به چه معناست؟

ناتو پایه و اساس نظم آمریکا پس از جنگ جهانی دوم است. این سازمان برای جلوگیری از اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد، اما ترامپ ولادیمیر پوتین را دشمن نمی داند و معتقد است که ناتو به بار مالی و سیاسی سنگینی بر دوش آمریکا تبدیل شده است. اگر متحدان ناتو سهم خود را پرداخت نکنند، روس ها را تشویق می کند که «هر کاری می خواهند انجام دهند»، همان طور که در فوریه در حالی که تهدید کرد در صورت انتخاب شدن به اوکراین کمک های خود را قطع خواهد کرد، اظهار داشت.

آمریکا که ناتو را در سال ۱۹۴۹ تأسیس کرد، طبق ماده ۱۴ پیمان آتلانتیک شمالی، «امانت دار» این معاهده است؛ به عبارت دیگر، آمریکایی ها نسخه اصلی این پیمان را در دست دارند و تمام اطلاعاتی رسمی مرتبط با این پیمان (شامل الحاق و خروج) را دریافت می کنند. آن ها متصدی

ثبت سوابق پیمان هستند.

ماده ۱۳ مهم تر است که مکانیسم خروج از ناتو را مشخص می کند. بیان می کند که هر عضوی می تواند با ارسال «اعلامیه فسخ» به دولت آمریکا، آن را ترک کند. این عقب نشینی یک سال پس از اعلام رسمی واشنگتن اعمال می شود.

در سال ۱۹۶۶، فرانسه ساختار فرماندهی نظامی ناتو را ترک کرد (البته نه به طور کامل ناتو) و در سال ۲۰۰۹ دوباره به آن پیوست.

پس آیا آمریکایی ها برای خودشان نامه محکومیت می فرستند؟ از نظر قانونی، آمریکا ملزم به قانونی است که کنگره را ملزم به تصویب خروج از این کشور می کند. قانون ۲۰۲۳ که توسط سناتور دموکرات تیم کین و سناتور جمهوری خواه مارک رابینو، وزیر امور خارجه منصوب شده توسط ترامپ حمایت می شود، نیاز به اکثریت دو سوم سنا دارد.

اما اگر او قصد خروج از ناتو را دارد و با توجه به اینکه ۶۷ سناتور از چنین تصمیمی حمایت نخواهند کرد، ترامپ می تواند تلاش کند تا از «اقتدار ریاست جمهوری» در روابط خارجی استفاده کند. این امر ناگزیر باعث ایجاد یک بحران قانون اساسی بین قوه مجریه و مقننه خواهد شد و آمریکا و تصور جهانی از آن را تضعیف بیشتر خواهد کرد.

هیچ کس فکر نمی کند آمریکا به رهبری ترامپ که از خروج از ناتو صحبت می کند و به پوتین خدمت رسانی می کند، توسط سرویس های اطلاعاتی متحدان جدی گرفته شود.

is.gd/EfclzV

مداخله اطلاعات خارجی ایران در جریان عملیات شمشیرهای آهنین



مقاله را با توصیف مخاطبان هدف عملیات نفوذ اصلی در چند ماه اول جنگ آغاز می‌کنیم. سپس تحلیلی از حادثه ارائه می‌کنیم، الگوهای اصلی را شناسایی و مطالعات موردی قابل توجهی از عملیات را توصیف می‌کنیم. در نهایت، نگاهی به آینده، از جمله ارزیابی و توصیه‌هایی برای مقامات دولتی، شرکت‌هایی که پلتفرم‌ها را اداره می‌کنند، سازمان‌های رسانه‌ای، جامعه مدنی و مردم ارائه می‌کنیم.

برای درک بهتر عملیات سایبری ایران در طول جنگ غزه، لازم است ابتدا منافع تهران در کارزار نظامی بررسی شود. دخالت ایران ناشی از اهداف استراتژیک خاص دولت ایران است و به صورت جداگانه اتفاق نمی‌افتد. پس از تهاجم حماس به جنوب اسرائیل در ۷ اکتبر، رهبری ایران در زمان حمله غافل گیر شد. در پاسخ، ایرانی‌ها تصمیم رهابردی برای فشار برای آتش‌بس سریع گرفتند و هدف آن حفظ حماس به عنوان یک نیروی نظامی و سیاسی مهم در نوار غزه بود. برای این منظور، ایران نیروهای نیابتی خود از جمله حزب الله، حوثی‌ها و شبهه‌نظامیان شیعه در عراق را فعال کرد تا هم ارتش اسرائیل و هم حضور آمریکا را در منطقه هدف قرار دهند. هدف این بود که واشنگتن را تحت فشار قرار دهد تا حمایت خود از اسرائیل را متوقف کند یا اورشلیم را مجبور به پایان دادن به درگیری کند. هم‌زمان، تهران به دنبال پرهیز از رویارویی مستقیم نظامی با اسرائیل، به دلیل ترس از تبدیل شدن آن به درگیری گسترده‌تر با نیروهای آمریکایی در خلیج فارس، به ویژه با توجه به حمایت بی‌سابقه واشنگتن از اسرائیل، از جمله استقرار ناوهای هواپیمابر در منطقه و صدور هشدار صریح به ایران برای عدم مداخله در جنگ («نکنید!»). با توجه به این سیاست، ایران حوزه سایبری را تنها راه افزایش مستقیم اصطکاک با اسرائیل در طول جنگ بدون خطر پاسخ مستقیم اسرائیل می‌دانست. تهران بر این باور بود که از طریق سایبری، با توجه به دشواری اثبات دخالت ایران، می‌تواند در عین اجتناب از انتساب، قیمتی را برای اسرائیل تعیین کند. به این ترتیب، تهران هدف رهابردی خود را بدون تحمیل پیامدهای قابل توجه تحقق بخشید. علاوه بر این، این واقعیت که ایران برای مدتی بدون تشدید تنش‌ها، عملیات‌های نفوذ گسترده‌ای را علیه اسرائیل انجام می‌داد، احتمالاً اعتماد این کشور را به ادامه و تشدید این عملیات تقویت می‌کرد. ایران بر این باور بود که می‌تواند با استفاده از زیرساخت‌ها، شیوه‌های عملیاتی و به ویژه همین ابزارها، اهداف خود را محقق کند. به نظر می‌رسد که ایران معتقد است که تضعیف انسجام داخلی اسرائیل در طول جنگ می‌تواند درک نیاز به پایان دادن به جنگ در غزه را در داخل اسرائیل تسریع یا حداقل ارتقاء بخشد و با

هدف ایران برای جلوگیری از تشدید تنش در مقیاس بزرگ هم‌سو شود. توجه به این نکته حائز اهمیت است که حملات سایبری که ایران از ۱۷ اکتبر انجام داده، با هدف حمایت از این اهداف بوده است. ایران زیرساخت‌های «پشتیبانی» که برای عملیات نظامی اسرائیل حیاتی است، مانند بیمارستان‌های غیرنظامی که دفاع ضعیفی دارند، هدف قرار داده است. این حملات در خدمت جنبه شناختی استراتژی ایران بوده و ظاهراً به زیرساخت‌های حیاتی آسیب رسانده و تلاش‌های جنگی اسرائیل را مختل کرده است. ایران حتی از این عملیات‌ها تجلیل کرده است و عملاً با یک تیر دو نشان می‌زند، زیرا فشار بر دولت اسرائیل برای توقف جنگ را افزایش می‌دهد. به نظر می‌رسد ایران معتقد است که ترکیبی از اقدامات نیابتی خود و اقدامات مستقیم سایبری خود «پایین‌تر از آستانه تشدید» به او اجازه می‌دهد تا به هدف استراتژیک خود برای حفظ حماس در غزه، بدون پرداخت بهای سنگین در درگیری مستقیم با آمریکا نیروهای موجود در منطقه، دست یابد. عملیات نفوذ ایران بر بهره‌برداری از اختلافات و شکاف‌های موجود متمرکز است. جای تعجب نیست که ایرانی‌ها از جنگ غزه برای مداخله و تلاش برای اعمال نفوذ استفاده کردند. آن‌ها از این فرصت برای پیشبرد اهداف استراتژیک خود با سرمایه‌گذاری بر تنش‌های داخلی در اسرائیل مانند مسئله گروگان‌گیری، تعداد تلفات، عدم اعتماد به دولت و نهادهای دولتی و عدم

ان بی سی نیوز

موج جدید زن ستیزی پس از پیروزی ترامپ

این پیام‌ها مستقیماً زنانی را هدف قرار داده که نسبت به نتیجه انتخابات ابراز نارضایتی کرده بودند.

دامنه این رفتارهای خصمانه به فضای واقعی نیز کشیده شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که دانش‌آموزان پسر در مدارس این شعارهای زن ستیزانه را تکرار می‌کنند. همچنین، فروش بیش از ۲۰ هزار تی شرت با این شعارها در چند روز، نشان از گسترش این پدیده در جامعه دارد.

ibit.ly/K0OQ8

من برای همیشه» موجی از واکنش‌ها را برانگیخت. این پیام در کمتر از یک روز بیش از ۹۰ میلیون بازدید و ۵۰ هزار لایک دریافت کرد و به سرعت در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) دست به دست شد.

تحلیل‌های این موسسه نشان می‌دهد در هفته پس از انتخابات، عبارت‌های توهین آمیزی مانند «برگرد به آشپزخانه» و «بدن تو، انتخاب من» بیش از ۷۵ هزار بار در فضای مجازی تکرار شده است. نکته نگران کننده اینجاست که حدود ۲۵ درصد از

تازه‌ترین گزارش موسسه گفت و گوی راهبردی در لندن، از افزایش چشمگیر حملات آنلاین علیه زنان خبر می‌دهد. بر اساس این گزارش، تنها در ۲۴ ساعت پس از اعلام پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴، حملات زن ستیزانه در فضای مجازی با رشد خیره کننده ۴ هزار و ۶۰۰ درصدی روبرو شده است. این موج گسترده با انتشار پیامی از سوی نیک فونتنس، چهره شناخته شده جریان برتری سفیدپوستان، آغاز شد. او در روز انتخابات با انتشار عبارت «بدن تو، انتخاب

آسوشیتدپرس

چالش حقوقی جدید برای ترامپ پس از پیروزی در انتخابات

دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۲۹ و همچنین انتقال پرونده به دادگاه فدرال، جایی که وکلای ترامپ درخواست تجدیدنظر داده‌اند.

پیروزی چشمگیر ترامپ با کسب نزدیک به ۸۰ میلیون رأی، حساسیت این پرونده را دوچندان کرده است. هر تصمیمی در این پرونده می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای نظام قضایی آمریکا و دوره جدید ریاست جمهوری ترامپ داشته باشد.

ibit.ly-DGKT

دقیق تر موضوع، رسیدگی به پرونده را تا ۱۹ نوامبر به تعویق انداخته است.

تیم حقوقی ترامپ خواستار رد کامل پرونده شده و به حکم دیوان عالی آمریکا درباره مصونیت رؤسای جمهور استناد می‌کند. در مقابل، دادستان‌های منتهن اصرار دارند که حکم محکومیت باید پابرجا بماند.

گزینه‌های متعددی پیش روی دادگاه قرار دارد؛ صدور حکم از جریمه نقدی تا حداکثر چهار سال حبس یا به تعویق انداختن صدور حکم تا پایان

پیروزی اخیر ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴، پرونده حقوقی او در نیویورک را وارد مرحله‌ای پیچیده کرده است. قاضی خون مرچان، که پیش تر ترامپ را در ۳۴ مورد جنایی مربوط به جعل اسناد تجاری محکوم کرده بود، اکنون با معمایی دشوار روبروست. این پرونده به پرداخت ۱۳۰ هزار دلار در جریان کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۶ برای ساکت کردن استورمی دنیلز، بازیگر فیلم‌های مستهجن مربوط می‌شود. قاضی مرچان برای بررسی

پولیتیکو

واکنش تند محافظان دفاعی به انتخاب غیرمنتظره ترامپ برای پنتاگون!

هگزت که معتقد است باید «آمادگی رزمی و شایسته‌سالاری» در اولویت قرار گیرد، علناً پیشنهاد اخراج فرماندهان نظامی حامی برنامه DEI را مطرح کرده است. این موضع گیری، نگرانی‌هایی را درباره احتمال تصفیه گسترده در پنتاگون به وجود آورده است. منتقدان همچنین هشدار می‌دهند که تجربه محدود هگزت می‌تواند بر روابط دفاعی بین المللی آمریکا تأثیر منفی بگذارد؛ آن هم در شرایطی که ایالات متحده با تنش‌های فزاینده در آسیا، اروپا و غرب آسیا روبروست.

ibit.ly/8IQQD

تند پرسیده است: «این دیگه کیه؟» پل ریکهاف، از مدافعان حقوق کهنه سربازان، هگزت را «نامناسب ترین نامزد برای وزارت دفاع در تاریخ آمریکا» خوانده است. مواضع هگزت در مخالفت با برنامه‌های مد نظر لیبرال‌ها و سیاستمداران حزب دموکرات برای استخدام نیروی کار در آمریکا تحت عنوان «تنوع، برابری و شمول» موسوم به DEI در نیروهای مسلح و همچنین تأکید هگزت بر اینکه چنین ابتکاراتی باعث «تضعیف» ارتش آمریکا می‌شود، از مهم ترین موارد نگرانی‌های جدی درباره این انتخاب است.

انتخاب پیت هگزت، مجری فاکس نیوز و تحلیل گر محافظه کار به عنوان وزیر دفاع آمریکا توسط ترامپ، موجی از واکنش‌ها را در واشنگتن دی. سی برانگیخته است. این انتخاب که برای بسیاری غافلگیرکننده بود، با انتقادهای گسترده‌ای روبرو شده است. هگزت که از حامیان سرسخت ترامپ به شمار می‌رود، اگرچه سابقه خدمت در ارتش و دریافت نشان‌های نظامی را در کارنامه دارد، اما فاقد تجربه سیاست گذاری دفاعی است که برای این سمت حساس ضروری به نظر می‌رسد. این موضوع تا جایی جدی است که یکی از لابی گران واشنگتن با لحنی

صدای آمریکا

احتمال تحریم کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران از سوی اتحادیه اروپا

بنا بر گزارش‌ها نام سه شرکت هواپیمایی ایران، ایر، ماهان ایر و ساها و نیز سید حمزه قلندری، معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، در میان تحریم‌شدگان قرار داشت.

اتحادیه اروپا اعلام کرده بود که از هواپیماهای این شرکت‌ها «بارها برای انتقال پهپادهای ساخت ایران و فناوری‌های مرتبط با آن به روسیه استفاده شده» و این کشور آن‌ها را در «جنگ تجاوز کارانه» خود علیه اوکراین به کار برده است.

ibit.ly/CSUQb

از جمله اهداف این تحریم که روز دوشنبه ۲۸ آبان ماه به رای گذاشته خواهد شد، گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی است. اتحادیه اروپا بر این باور است که این گروه «سال‌ها درگیر انتقال محموله‌های نظامی» بوده است. اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۲۳ مهر نیز تحریم‌هایی را علیه معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، اعضای ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سه شرکت هواپیمایی به اتهام ارسال پهپاد، موشک و تجهیزات دیگر به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین، وضع کرده بود.

خبرنگار وال استریت ژورنال مدعی شد که اتحادیه اروپا دوشنبه هفته جاری کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را تحریم خواهد کرد. لارنس نورمن در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: «اتحادیه اروپا قرار است دوشنبه ۲۸ آبان در واکنش به اقدام جمهوری اسلامی در ارائه موشک به روسیه، تحریم‌های جدیدی را علیه تهران اعلام کند.» بنا بر نوشته این خبرنگار، تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا علیه بخش‌های مختلف از جمله کشتیرانی جمهوری اسلامی اعمال خواهد شد.

آتلانتیک

تحلیل جزئی‌تر درباره شکست دموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۲۴



خانوارها نسبت به پیش از دوران کووید کاهش و نرخ فقر افزایش یافته است. طبق گزارش‌ها، حدود ۴۰ درصد از آمریکایی‌ها اکنون برای تأمین غذای خود با مشکل مواجه هستند و هزینه اجاره مسکن بیش از ۳۰ درصد از درآمد بسیاری از خانوارها را مصرف می‌کند.

همچنین، نرخ بهره در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته و قسط وام مسکن برای یک خانه ۴۰۰ هزار دلاری از ۱ هزار و ۸۰۰ دلار به ۲ هزار و ۵۰۰ دلار در ماه رسیده است. این افزایش هزینه‌ها و مشکلات اقتصادی برای بسیاری از رأی‌دهندگان به چالشی جدی تبدیل شده بود. دستاوردهای اقتصادی دولت بایدن در سایه این مسائل قرار گرفت و بسیاری از آمریکایی‌ها همچنان نارضایتی خود از وضعیت مالی را با رای خود ابراز کرده بودند. این وضعیت در نهایت به شکست انتخاباتی کاملاً هریس کمک کرد و نشان دهنده نگرانی‌های عمومی از هزینه‌های روزافزون زندگی و مسائل اقتصادی بود.

ibit.ly/z6zD9

«لاتینکس» اشاره می‌کند که باعث دور شدن گروه‌های کلیدی مانند لاتین‌تبارها، سیاه‌پوستان، آسیایی‌ها و یهودیان از حزب شده است. یک تحلیل‌گر سیاسی می‌گوید: «با توجه به کنترل جمهوری خواهان بر سنا و احتمالاً مجلس نمایندگان، دموکرات‌ها برای تصویب قوانین با مشکل مواجه خواهند شد. پیام‌رسانی در سال‌های پیش رو اهمیت کلیدی خواهد داشت.» دین فیلیپس، نماینده کنگره معتقد است حزب دموکرات «محصول خوبی» دارد، اما نیازمند بسته‌بندی بهتری است. برخی نیز بر این باورند که تغییر از کارزارهای محلی آغاز خواهد شد، نه از رهبری حزب.

دولت بایدن در طی سه سال گذشته با تصویب قوانینی به ارزش بیش از ۳ تریلیون دلار تلاش کرده است تا اقتصاد را رشد دهد، در انرژی‌های پاک سرمایه‌گذاری کند و نابرابری را کاهش دهد. از جمله این اقدامات می‌توان به «طرح نجات آمریکا» و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در زیرساخت‌ها اشاره کرد.

داده‌های اقتصادی رسمی نشان می‌دهد که در این مدت، نرخ بیکاری زیر ۴٫۵ درصد باقی ماند، تورم کاهش یافت و دستمزدها نیز افزایش پیدا کرد. تولید ناخالص داخلی آمریکا دو برابر رشد اتحادیه اروپا بود که نشان از پیشرفت اقتصادی این کشور داشت.

با این حال، بسیاری از آمریکایی‌ها همچنان با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به‌رغم پیشرفت‌های اقتصادی، درآمد واقعی

پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴، حزب دموکرات به بررسی دلایل این شکست پرداخته است. سناتور برنی سندرز در این باره می‌گوید: «ما به دلیل بی‌توجهی به رأی‌دهندگان طبقه کارگر که به سمت ترامپ چرخش کردند، شکست خوردیم.»

برخی از دموکرات‌ها عواملی مانند وضعیت اقتصادی، سیاست‌های هویتی و جنگ غزه را در این شکست دخیل می‌دانند. در حالی که این بحث‌ها ادامه دارد، چهره‌های مختلف حزب دیدگاه‌های خود را درباره آینده مطرح می‌کنند. جناح مترقی حزب به رهبری سندرز و الکساندریا اوکاسیو کورتز خواستار اتخاذ سیاست‌های حمایتی بیشتر از طبقه کارگر است. سناتور کریس مورفی نیز از دموکرات‌ها می‌خواهد پوپولیسم را بپذیرد و به رأی‌دهندگان فراتر از قشر ثروتمند توجه کند.

ماری گلوژنکمپ پرز، نماینده کنگره که در رقابتی نزدیک در ایالت واشنگتن پیروز شد، معتقد است: «حزب به نامزدهایی با تجربه واقعی زندگی در بین قشر کارگر جامعه نیاز دارد.» در حالی که حزب دموکرات در تلاش برای بازسازی خود است، برخی معتقدند شعارهای تند چپ‌گرایانه به شانس دموکرات‌ها آسیب زده است. تام سوئوزی، نماینده کنگره می‌گوید حزب باید از توجه بیش از حد به جناح چپ افراطی دست بردارد.

ریچی تورس، دیگر نماینده کنگره، به شعارهایی مانند «قطع بودجه پلیس» و استفاده از واژه



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مركز مطالعات

Sourianc.com